

آثار ابتلائات روانی زوجه در برخورداری وی از مهریه^۱

سید حسن عابدیان کلخوران *

چکیده

از آنجا که اختلالات روانی صرفاً به معنی جنون نیستند و معنی عامی دارند که شامل جنون هم می‌شوند و به دلیل اینکه نسبت به جنون زوجه تحقیقات زیادی به عمل آمده اما نسبت به سایر اختلالات روانی زوجه و حقوق وی، بررسی‌چندانی به عمل نیامده، از این رو در این مقاله یکی از حقوق مهم زوجه که استحقاق مهریه است، نسبت به زوجه‌های مبتلا به اختلالات روانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این مقاله صور برخورداری زوجه مبتلا به اختلالات روانی نسبت به مهریه بررسی شده است. نتیجه‌ای که به دست آمد نشان می‌دهد که نوع اختلال روانی زوجه تأثیری در استحقاق یا عدم استحقاق وی نسبت به مهریه ندارد، بلکه آنچه که در این راستا تأثیرگذار است علم زوج نسبت به ابتلاء زوجه به اختلالات روانی است یعنی در صورت جهل زوج به اختلال روانی زوجه و با تحقق تدلیس در حق زوج، وی خیار فسخ ناشی از تدلیس دارد، در این صورت نوع اختلال روانی زوجه صرفاً در تعیین میزان خسارتی که زوج می‌تواند از مدلس مطالبه کند، نقش دارد.

کلید واژه‌ها: مهریه، اختلالات روانی، علم زوج، زوجه.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۹

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۵/۱۲

* استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)

Mhabet4@gmail.com

طرح مسأله

عقد نکاح از عقود مهم در فقه اسلامی محسوب می‌شود، از این رو برتری‌هایی هم نسبت به سایر عقود دارد زیرا از نظر شارع حکیم، مهمترین هدف از ایجاد عقد نکاح، تحکیم نهاد خانواده و تأکید بر اهمیت آن است. مهریه از مهمترین حقوق زوجه است که از مستحقات زوجه در عقد نکاح محسوب می‌شود. شرط استقرار تام مهریه، تحقق عقد نکاح و تحقق نزدیکی است. در استحقاق زوجه نسبت به مهریه، تمکین شرط نیست، به این معنی که اگر زوجه ناشزه هم باشد، در صورتی که عقد نکاح و نزدیکی محقق شده باشد، مستحق تمام مهریه خواهد بود و در صورت نشوز، صرفاً مستحق نفقه نخواهد بود که مورد بحث این مقاله نیست. با وجود دو شرط ذکر شده برای استقرار تام مهریه، استحقاق به آن، نه تنها نسبت به زوجه ی سالم بلکه نسبت به زوجه ی مبتلا به اختلالات روانی هم صادق است در راستای بررسی حقوق زوجه مبتلا به اختلالات روانی، یکی از مهمترین حقوق وی نیز استحقاق مهریه است، از این رو در این مقاله، تکلیفی که زوج در پرداخت مهریه چنین زوجه‌ای دارد تبیین می‌شود، تا این مبحث تأییدی باشد در اصل برخورداری زوجه مبتلا به اختلالات روانی، در استحقاق مهریه. همچنین تأکیدی است بر این که به صرف وجود اختلال روانی زوجه، نمی‌توان وی را از استحقاق نسبت به مهریه منع کرد هرچند ممکن است با توجه به نوع و کیفیت اختلال روانی زوجه، برخورداری وی از حقی که دارد، با محدودیت‌هایی همراه باشد، از جمله این موارد در فرض تدلیس ناشی از پنهان کردن ابتلاء زوجه به اختلال روانی از سوی وی یا شخص ثالث نسبت به زوج است که در این صورت هرچند در برخی موارد، زوجه مستحق اخذ تمام مهریه است یا در مواردی که مدلس خود زوجه باشد وی مستحق بخشی از مهریه است، اما زوج برای مطالبه خسارت خود، حق رجوع به مدلس را دارد اعم از اینکه مدلس، زوجه باشد یا شخص ثالث. در این مقاله علاوه بر بررسی استحقاق زوجه مبتلا به اختلالات روانی، نسبت به مهریه، صور موجود در استحقاق زوج نسبت به خیار تدلیس در فرض ابتلاء زوجه به اختلالات روانی، هم بررسی شده است.

۱- تعریف لغات و اصطلاحات

۱-۱- مهریه

۱-۱-۱- تعریف لغوی

مهریه در لغت به معنای صدق، صداقیه، فرض، مهر و کابین است. (معین، ۱۳۷۸، ۵، ۲۴۵)

۱-۱-۲- تعریف اصطلاحی

مهر مالی است که به هنگام عقد نکاح برای ضوابط شرع و رسم و عادت از طرف مرد به زن پرداخت می شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۲۱) مهریه اقسامی دارد که عبارتند از:

الف) مهر السنه: مهری است که پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله برای حضرت فاطمه علیهاالسلام مقرر کردند و آن عبارت از دویست و شصت و دو مثقال و نیم پول نقره مسکوک است. (حلی، ۱۴۱۱، ۷، ۱۲۵)
ب) مهر المسمی: عبارت از میزان مالی است که به عنوان مهر در عقد نکاح ذکر می شود و مورد توافق زوجین است. (عاملی جبعی، ۱۴۱۳، ۳۱، ۹)

ج) مهرالمثل: در عقد نکاح می توان مهر تعیین نکرد و زوجین می توانند پس از وقوع عقد با توافق مهر تعیین کنند، حال اگر قبل از تراضی برای تعیین مهر نزدیکی شود زوجه مستحق مهر المثل است و مهر المثل عبارت از مالی است که با در نظر گرفتن وضع خانوادگی و حال اقرباء و نزدیکان زوجه تعیین می شود. (حلی، ۱۴۱۱، ۷، ۱۲۳)

د) مهرالمتعّه: چنانچه در عقد نکاح مهر تعیین نشود و زوج مصمم باشد که زوجه را قبل از نزدیکی طلاق دهد مقداری را به عنوان مهر تعیین و به زوجه پرداخت می کند و این مبلغ بستگی به وضعیت مالی زوج دارد. (طوسی، ۱۴۰۴، ۴، ۴۲۱)

بنابراین تعیین میزان مهر المثل به وضع خانوادگی زوجه و مهرالمتعّه به وضعیت مالی زوج بستگی دارد.

۱-۲-۲- تعریف اختلال روانی

۱-۲-۱- تعریف لغوی

اختلال یعنی تشویش، خلل. اختلال روانی یعنی اضطراب نفسی (معین، ۱۳۷۵، ۵، ۳۳۱). همانطور که بیان ابتلاء، اختلال یا بیماری روانی، به گروهی از بیماری‌ها گفته می شود که با تأثیر بر تفکر و رفتار، باعث ایجاد ناراحتی برای فرد مبتلا یا ایجاد ناتوانی در وی می شوند (دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۱، ۵، ۲۵۱). اختلال روانی به معنای وضعیت روانی غیرطبیعی است که برای توصیف حالتی روانی به کار می رود که اغلب به صورت «از دست دادن تماس با واقعیت» است (پور افکار، ۱۳۸۲، ۴، ۱۲۵).

۱-۲-۲- تعریف اصطلاحی

الف) تعریف اصطلاحی اختلال روانی در علم فقه

در علم فقه تعریف جداگانه‌ای از اختلال روانی ارائه نشده است، اما در مباحث حجر و اهلیت، به طور کلی به آن اشاره شده است. واژه عربی حَجْر به معنای بازداشتن و احاطه کردن کسی است و در اصطلاح فقها به «ممنوع کردن کسی از تصرف مالی، حجر گفته می شود» (طوسی، ۴، ۱۴۰۴، ۴۵۱). حجر که در بخش معاملات منابع فقهی مطرح می‌شود، اموری است که با اهلیت طرف عقد یا ایقاع ارتباط می‌یابد و وجود این اوصاف در او، موجب بطلان یا نافذ نبودن عقد یا ایقاع وی می‌گردد. مانند عدم بلوغ، سفه (سبک عقلی)، جنون (دیوانگی) (حلی، ۷، ۱۴۱۱، ۱۸۵). در فقه اسباب حجر عبارتند از بالغ نبودن، جنون، بردگی، سفاهت، ورشکستگی و بیماری منجر به موت (میرزای قمی، ۹، ۱۳۷۱، ۴۲۱). همانطور که بیان شد در علم فقه مواردی تحت عنوان حجر یا عدم اهلیت قرار دارند که از این موارد دو مورد آن را می‌توان از مصادیق مورد نظر اختلال روانی از منظر فقه دانست. آن دو مورد عبارتند از جنون (دیوانگی) و سفه (سبک عقلی).

ب) تعریف اصطلاحی اختلال روانی در علم حقوق

همانطور که در قسمت قبل بیان شد در علم حقوق هم تعریف جداگانه‌ای از اختلالات روانی ارائه نشده است اما از مباحثی که در حجر و اهلیت وجود دارد می‌توان به این نتیجه رسید که ایشان هم از میان موارد حجر، فقدان رشد و فقدان عقل را تحت عنوان اختلالات روانی می‌دانند. در مواد ۲۱۱ و ۱۲۰۷ قانون مدنی ایران، به عوامل حجر اشاره شده است که عبارتند از: عدم بلوغ، فقدان عقل و عدم رشد. به این معنا که وجود بلوغ، عقل و رشد از موارد اهلیت هستند (یعنی صلاحیت فرد برای دارا شدن و تصرف کردن) اما فقدان آنها در افراد، از موارد حجر محسوب می‌شود. به نظر حقوق دانان، اصولاً حجر به اهلیت اجرای حق یا استیفای حق مربوط می‌شود نه اهلیت دارا شدن، یعنی از نظر حقوق دانان، افراد محجور می‌توانند صاحب حق شوند اما به خودی خود حق تصرف در آن را ندارند.

ج) تعریف اصطلاحی اختلال روانی در علم روان شناسی

در علم روان شناسی اختلال روانی، اصطلاحی گسترده برای توصیف تعداد زیادی از بیماری‌های روان پزشکی

است که توانایی تفکر، احساس و رفتار شخص جهت عملکرد مناسب در تکالیف روزمره زندگی را مختل می- نماید (احمدی، ۱۳۴۸، ۲؛ (۱۴۲؛ (استوار، ۱۳۷۷، ۴، ۴۱۱).

۱- اهمیت شرعی مهریه

۱-۲- اهمیت مهریه در آیات

پرداختن قرآن کریم در برخی از آیات به موضوع مهریه، نشان دهنده اهمیت آن است. « الف) «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً (نساء، ۴)؛ با طیب خاطر مهریه‌هایشان را به آنان بپردازید. در این آیه، رضایت طرفین در تعیین مقدار مهریه، اصل مسلم تلقی گردیده است. بدین‌سان، زن نمی‌تواند بیش از آنچه که مورد رضایت واقع شده است از مرد مطالبه نماید و مرد نمی‌تواند کمتر از آن مقدار، به زن پرداخت کند. این رضایت هم می‌تواند پیش از تحقق عقد به وجود آید و هم پس از تحقق عقد. چنانچه قبل و بعد از عقد موضوع و مقدار مهر مورد توافق طرفین قرار نگیرد، شأن و منزلت زوجه از نظر خانوادگی و اجتماعی معیار تعیین مقدار مهر است که نوع اول را «مهرالمسمی» و نوع دوم را «مهرالمثل» نامیده‌اند. ب) «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً (نساء، ۲۴)؛ اگر با زنی ازدواج کردید و با او همبستر شدید مهریه‌اش را (به طور کامل) بپردازید و این فریضه‌ای (خدایی) است»

چنانکه مشاهده می‌گردد، این آیه شرط پرداخت مهریه به زن را به طور کامل، آمیزش او با همسرش دانسته است. از این‌رو، بعد از تحقق عقد و قبل از تحقق آمیزش، زن مستحق دریافت نصف مهر تعیین شده، شناخته شده است. این موضوعی است که همه اندیشمندان اسلامی و به تبع آن، قانون مدنی ایران از آن پیروی نموده‌اند.

ج) «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ (نساء، ۳۴)؛ مردان مسؤولیت سرپرستی زنان را برعهده دارند؛ زیرا خداوند برخی را (به خاطر توانایی‌های جسمی و ارادی) بر برخی دیگر برتری بخشیده و نیز به دلیل آنکه (معمولاً مردان) از اموال خود (برای خانواده) هزینه می‌نمایند» در این آیه، یکی از فلسفه‌های پرداخت مهریه از جانب مرد به زن (یعنی توانایی جسمی و ارادی بیشتر مرد از زن) مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل، مردان مأمور به پرداخت نفقه و مهریه گردیده‌اند. این چیزی برخلاف رویه حاکم در غرب است؛ زیرا در غرب زنان باید مهریه را پرداخت کنند. این درست عکس فطرت بشری است؛ چراکه زن مجبور است سالیان متمادی را برای جمع‌آوری مهریه به کار و تلاش بپردازد

و چنانچه موفق به این کار نگردد ممکن است دچار انحراف و بردگی جنسی شود. این عمل بدون شک کرامت و شخصیت زنان را زیر سؤال خواهد برد. (حلی، ۱۴۱۱، ۷، ۱۸۵)

۲-۲- اهمیت مهریه در روایت

روایت صحیح حلی است که از امام صادق علیه‌السلام درباره زنی سؤال شد که خود را بدون مهر به ازدواج مردی درآورد. امام علیه‌السلام در جواب فرمودند: این ازدواج برای نبی صحیح است، نه غیر نبی، مگر برای زن پیش از آنکه دخول صورت گیرد چیزی عوض قرار داده شود، کم باشد یا زیاد. (نجفی، ۳۱، ۵۰؛ حر عاملی، ۲۰، ۴۷)

۳- استحقاق مهریه

مهریه از جمله حقوق زوجه است. بعد از تحقق عقد نکاح، زوجه مستحق نصف مهر و بعد از تحقق نزدیکی، وی مستحق تمام آن است و این حق، از سوی زوجه عندالمطالبه می باشد. (عاملی جبعی، ۱۴۱۳، ۹، ۳۷۸؛ عوده، ۱۴۱۹، ۲، ۱۳۷)

«عن ابی جعفر علیه السلام قال: الصداق ما تراضیا علیه من قلیل او کثیر فهذا الصداق؛ مهریه همان چیزی است که طرفین بر آن توافق می کنند، کم باشد یا زیاد.» (کلینی، ۱۳، ۱۴۱۵، ۳۷۸)

۳-۱- ارتباط علم زوج به اختلال روانی زوجه، در استحقاق مهریه

علم یا جهل زوج به اختلال روانی زوجه را می توان تحت عنوان کیفیت برخورداری زوجه مبتلا به اختلالات روانی، نسبت به مهریه مورد بررسی قرار داد. از آنجا که شرط استحقاق تمام مهریه به زوجه، تحقق عقد نکاح و نزدیکی است، (نجفی، ۲۹، ۷۰؛ میرزای قمی، ۹، ۱۳۷۱، ۴۲۱) در این صورت اگر زوج با علم به این که زوجه مبتلا به اختلال روانی - اعم از اختلال روانی جنونی یا معتوهی یا سفهی - است، با وی ازدواج کند در این صورت وی اقدام به ضرر خود کرده و طبق قاعده اقدام، باید مهریه زوجه را پرداخت کند و نمی تواند به بهانه‌ی ابتلاء زوجه به اختلال روانی، از دادن مهریه به وی سرباز زند. در اینجا لازم است به توضیح مختصری در مورد قاعده اقدام بپردازیم.

اقدام در لغت به معنی پیش رفتن در کار، به کاری دست زدن، گام برداشتن و یا پیش گذاشتن در امری است. (معین، ۱۳۷۸، ۱۳۵) در اصطلاح فقها، اقدام عبارت است از اینکه شخص بالغ و عاقل، با اراده و اختیار خود، بر ضرر خویش اقدام نماید. مثل اینکه جنسی را به بیشتر از قیمت متعارف آن خرید نماید. یا مثلاً صاحب مال، کسی را دستور بدهد که مالش را در دریا بیاندازد بنابراین اگر کسی خواسته‌ی او را عملی نماید، در قبال عملکردش و خسارتی که به مالک وارد شده است ضامن نخواهد بود. (عاملی جبعی، ۱۳۶۷، ۹، ۵۲؛ خمینی، ۱۳۷۹، ۳، ۳۵۳؛ نجفی، ۲۹، ۸۳)

مدارک و مستندات این قاعده عبارتند از: روایت: «لا یحل مال امریء مسلم الا بطیب نفس منه»

این روایت از سندی تمام شرایط حجیت را برخوردار است چرا که علاوه بر اینکه در منابع فریقین نقل شده است، تمام روای آن امامی و اثنی عشری و موثق هستند به خصوص اینکه یکی از روایان آن از اصحاب اجماع است و افزون بر آن اصحاب به آن عمل کرده اند. بنابراین این روایت صحیح و تمام شرایط حجیت را دارا می باشد. (حر عاملی، ۱۴۱۳، ۱۵، ۳۵۸)

عرف و شیوه عملی خردمندان: سیره و روش عملی عقلا و خردمندان عالم نیز بر این شیوه استقرار یافته است که در مواردی که خود فرد اقدام بر ضرر خویش کرده باشد، عامل زیان را ضامن و مسؤول جبران خسارت نمی دانند. (نراقی، ۱۴۱۲، ۲، ۳۰۵)

اجماع فقها: دلیل سوم اجماع است که به طور مسلم فقهای شیعه، بلکه کل مسلمین در مواردی که فرد اقدام بر ضرر خویش کرده باشد، قائل به ضمان نیستند. (خمینی، ۱۳۷۹، ۳، ۳۵۳) در صورتی که زوج، قبل از عقد نکاح، نسبت به ابتلاء زوجه به اختلال روانی علم نداشته باشد و بعد از عقد نکاح متوجه این مسأله شود، به دلیل این که عرف، فقدان اختلالات روانی را از شروط ارتکازی عقد نکاح می داند در نتیجه عرف، پنهان کردن این مسأله را مصداق فریب دادن زوج می داند که از موارد تدلیس در نکاح محسوب می شود.

در اینجا روایاتی را به عنوان مؤید برای وجود خیار تدلیس، ذکر می کنیم. در باب جمع شدن عیب و تدلیس حدیثی از امام صادق (علیه السلام) به این مضمون نقل شده است: «قال: فی الرجل تزوج امراه ولیها بها عیباً بعد ما دخل بها فقال: اذا دلست الفعلا، البرصا و المجنونه و المفضاه و من كان بها زمانه ظاهره فانها ترد علی اهلها من غیر طلاق و یاخذ الزوج المهر من ولیها الذی كان دلستها، فان علم بشيء من ذلك فلا شيء علیه و ترد علی اهلها قال: و ان اصاب الزوج شيئاً فلا شيء له و تعتد منه عده المطلقه ان كان دخل بها و ان لم یکن دخل فلا عده علیها و لا مهر؛ امام صادق (ع) فرمودند اگر مردی با زنی ازدواج کرد و بعد از

عمل زناشویی متوجه شد که خانواده زن تدلیس کرده‌اند و عیب وی را مخفی کرده‌اند و مرد جاهل به این عیوب بوده می‌تواند هرچند بعد از دخول باشد زن را به خانواده‌اش بفرستد- حق فسخ- اگر مهری پرداخت کرده است می‌تواند آن مهر را از ولی زن بگیرد.» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ۱۴، ۲۴۵)

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: «ملعون من ضار مؤمنا او مکر به؛ کسی که به مؤمنی ضرر رساند یا به او مکر ورزد مورد لعنت قرار می‌گیرد.» (نجفی، ۳۰، ۵۶)

حضرت علی(علیه‌السلام) نیز فرموده‌اند: «المکریمین ائتمنک کفر؛ مکر ورزیدن به کسی که به تو اعتماد کرده است، کفر می‌باشد.» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ۱۴، ۲۴۶)

مذمت و نکوهیده بودن تدلیس در لسان روایات، خود دلیلی بر جواز انجام عمل به ضرر مدلس محسوب می‌شود. (خمینی، ۱۳۷۹، ۳، ۲۷۵)

در صورتی که در عقد نکاح میزان مهریه مشخص شده باشد، نسبت به استحقاق مهریه برای زوجه مبتلا به اختلالات روانی در صورت تحقق تدلیس در نکاح، باید گفت «اگر نزدیکی محقق شده باشد زوجه مستحق مهرالمسمی است زیرا مهریه به واسطه دخول، مستقر می‌شود و زوج برای باز گرفتن مبلغی که پرداخته به کسی که تدلیس کرده مراجعه می‌کند و اگر خود زوجه تدلیس کرده، مهر را از وی باز می‌ستاند و تنها کمترین مقداری که می‌تواند به عنوان مهر قرار داده شود را نزد زوجه باقی می‌گذارد.» (مروارید، ۱۴۱۰، ۲، ۵۰۲؛ عاملی جبعی، ۱۳۶۷، ۹، ۵۲) لازم به ذکر است که اگر مدلس، شخص ثالثی باشد، در این صورت زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود. قانون مدنی، مؤید این مطلب است و می‌گوید: «در صورت جهل زن به فساد نکاح و وقوع نزدیکی، زن مستحق مهرالمثل است. یعنی اگر نکاح باطل باشد ولی زن از این امر بی‌اطلاع بوده چنانچه در این مورد بین آنان نزدیکی واقع شود، زن استحقاق گرفتن مهرالمثل را دارد.» (قانون مدنی، ماده ۱۰۹۹؛ نجفی، ۳۰، ۸۶)

اما اگر زوج، بعد از تحقق عقد نکاح و قبل از تحقق نزدیکی، متوجه وجود اختلالات روانی زوجه شود، اگر زوجه مدلس باشد مستحق مهریه نیست، اما اگر شخص ثالثی مدلس باشد زوج باید نصف مهر را به زوجه بپردازد و برای جبران خسارتش به مدلس رجوع کند. (عاملی جبعی، ۱۳۶۷، ۹، ۶۳)

با در نظر داشتن توضیحی که در مورد کیفیت برخوردای زوجه مبتلا به اختلالات روانی، نسبت به مهریه دادیم در ادامه، نحوه برخورداری وی را در فرض این که اختلال روانی از کدام نوع باشد مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴- استحقاق مهریه در اختلالات روانی زوجه

۴-۱- استحقاق مهریه در اختلالات روانی جنونی زوجه

شاخصه اصلی اختلالات روانی جنونی، فساد عقل و زوال عملکرد عقل است. (عاملی جبعی، ۱۳۶۷، ۹، ۲۳) به معنی این که فرد قدرت تفکیک وقایع و تطبیق خود با شرایط گوناگون را نداشته باشد که این امر برگرفته از عدم قدرت عقل وی در دریافت اطلاعات و پرداختن به تحلیل داده‌های عقلی با امور پیرامون است. (تیمز، ۱۳۹۱، ۲، ۴۱) اختلالات روانی جنونی، عبارتند از اختلالات روانی غیر قابل درمانی که در علم روان‌شناسی تبیین شده‌اند زیرا در این نوع از اختلالات روانی، (اختلال خلقی، روان‌پریشی، شناختی، شیذوفرنی) ارتباط بیمار با واقعیت قطع می‌شود و قدرت درک و شناخت عقل از بین می‌رود یا بسیار ضعیف می‌شود و عقل به دلیل عدم قدرت بر تحلیل رویدادها، دچار توهم و هذیان و دریافت‌های غیرواقع از محیط پیرامون می‌شود. (کاپلان، ۱۳۷۰، ۱، ۲۵) در این قسمت وضعیت استحقاق زوجه مبتلا به اختلالات روانی جنونی را نسبت به مهریه بررسی می‌کنیم.

اختلال خلقی یکی از اقسام اختلالات روانی جنونی است که آن را جنون ادواری می‌نامند. (پورافکار، ۱۳۸۲، ۲، ۶۹) این بیماری همانطور که از اسم آن مشخص می‌شود از دو دوره تشکیل می‌شود. زوجه مبتلا به این اختلال در زمانی که دچار خلق بالا یا شیدائی و خلق افسردگی است، عملکرد مغز او دچار اختلال اساسی می‌شود و از حالت عادی خارج می‌شود. نوع اختلال روانی جنونی زوجه، در اصل برخورداری وی از مهریه تفاوتی ندارد زیرا این مسأله صرفاً به علم یا جهل زوج به اختلال روانی زوجه بستگی دارد. در نتیجه نوع اختلال روانی، صرفاً در میزان خسارتی که زوج می‌تواند از مدلس مطالبه کند، تأثیر دارد. (خمینی، ۱۳۷۹، ۳، ۲۸۱) در اختلال روانی جنونی- خلقی، زمانی که فرد در دوره افسردگی قرار دارد میزان آسیبی که به اطرافیان وارد می‌کند نسبتاً کمتر از دوره شیدایی و همچنین کمتر از سایر اختلالات روانی جنونی است، از این رو میزان جبران خسارت معنوی زوج از سوی شخص مدلس - اعم از زوجه یا شخص ثالث - کمتر از سایر اختلالات روانی جنونی است.

یک نوع از اختلال روانی جنونی که تحت عنوان جنون اطباقی هم قرار می‌گیرد، اختلال روان‌پریشی است این اختلال شامل گروهی از نابسامانی‌های شدید روانی است که مهمترین مشخصه آنها اختلال شدید درک و قطع ارتباط با واقعیت است. (ساروک، کاپلان، ۱۳۹۰، ۱، ۱۲) این اختلال در اصل تحقق مهریه به زوجه تأثیری ندارد و صرفاً به دلیل این که غالباً امید به بهبود این بیماران وجود ندارد و آسیبهایی که به

اطرافیان خود وارد می‌کنند به مراتب بیشتر از اختلالات روانی معنوی و سفهی است، از این رو صرفاً در میزان مطالبه‌گری خسارت معنوی زوج از مدلس، می‌توانند تأثیر بسزایی داشته باشند البته در فرض تحقق تدلیس که توضیح آن گذشت. (کاوه، ۱۳۹۱، ۱، ۷۴)

اختلال روانی جنونی - شناختی، هم یکی دیگر از اقسام جنون اطباقی است، در این اختلال به دلیل آسیب شیمیائی و ساختاری مغز، قدرت پردازش عقل کم کم تحلیل می‌رود و اختلال در حافظه تفکر و قضاوت و یادگیری ایجاد می‌شود. (کوکرین، ۱۳۷۶، ۱، ۲۰)؛ (استوار، ۱۳۷۷، ۱، ۵۳) مطابق سایر اقسام اختلالات روانی جنونی، ابتلا به این اختلال هم، در اصل برخورداری زوجه از مهریه تأثیری ندارد بلکه صرفاً در میزان خسارت معنوی یا مادی زوج علاوه بر مهریه‌ای که از مدلس مطالبه می‌کند، تأثیر دارد.

میزان خسارتی که به اطرافیان زوجه مبتلا به اختلال روانی جنونی شیزوفرنی - که از مصادیق جنون اطباقی هم هست - وارد می‌شود بیشتر از سایر اختلالات روانی جنونی و معنوی و سفهی است زیرا در این قسم از اختلالات روانی جنونی، فکر تخریب می‌شود همچنین برداشت غیرعادی از واقعیت، با توهم و هذیان همراه است که به مراتب از سایر اختلالات روانی حادث و خطرناک‌تر است. (قهرمانی افشار، ۱۳۹۰، ۱، ۴۲) ابتلا زوجه به این اختلال، در اصل برخورداری وی از مهریه تأثیری ندارد بلکه علم یا جهل زوج است که در این خصوص تعیین کننده است، به طوری که در صورت تحقق تدلیس، زوج علاوه بر جبران خسارت مادی ناشی از پرداخت مهریه، می‌تواند میزان خسارت معنوی یا مادی ایی که در نتیجه تدلیس به وی وارد می‌شود را هم از مدلس مطالبه کند که میزان این خسارت در این نوع از اختلالات روانی جنونی بیشتر از سایر اقسام آن است. (معظمی، ۱۳۹۰، ۲، ۲۳)

بعد از بررسی نقش صور اختلالات روانی جنونی، در استحقاق زوجه مبتلا به این اختلالات، نسبت به مهریه، باید گفت در این که نوع اختلال روانی جنونی در اصل برخورداری زوجه از مهریه، تأثیر دارد یا خیر، باید گفت، در مبحث برخورداری زوجه از مهریه، تفاوتی ندارد که زوجه مبتلا به چه نوع اختلال روانی جنونی باشد زیرا اصل برخورداری یا عدم برخورداری چنین زوجه‌ای از مهریه، به علم یا جهل زوج از اختلال روانی زوجه در قبل یا بعد از نکاح برمی‌گردد. (خمینی، ۱۳۷۹، ۳، ۲۸۳؛ خداجیمی، ۱۳۷۹، ۳، ۲۱) اما نکته‌ای که وجود دارد این است که در صورت جهل زوج به اختلال روانی جنونی زوجه - اعم از اختلال خلقی، روان-پریشی، شناختی و شیزوفرنی - اگر نکاح و نزدیکی محقق شده باشد زوجه مستحق مهرالمسمی است و زوج علاوه بر پرداخت مهرالمسمی به زوجه، می‌تواند برای جبران خسارت خود، به مدلس رجوع کند - خواه

مدلس زوجه باشد یا شخص ثالث باشد- همچنین اگر نکاح محقق شده باشد اما نزدیکی محقق نشده باشد، زوجه مستحق نصف مهریه است اما اگر وی یا شخص ثالثی، مدلس باشد زوج حق مراجعه به مدلس را برای جبران خسارت دارد. (حراملی، ۱۴، ۱۴۱۳، ۲۴۵) در این صورت تنها تفاوت اختلالات روانی جنونی با اختلالات روانی سفهی و معتوهی، میزان خسارتی است که زوج می‌تواند از شخص مدلس- اعم از زوجه یا شخص ثالث- مطالبه کند، زیرا به دلیل ماهیت اختلالات روانی جنونی که عبارت است از فساد و زوال عقل، به دلیل شدت این اختلال در زوجه نسبت به اختلالات روانی معتوهی و سفهی، آسیب بیشتری به زوج وارد می‌شود و زوج هم می‌تواند مهریه‌ای را که پرداخت کرده است، از مدلس مطالبه کند و هم حق مطالبه‌ی خسارات معنوی یا مادی که به دلیل شدت اختلال روانی زوجه به زوج وارد شده است را از مدلس مطالبه دارد. (خمینی، ۱۳۷۹، ۳، ۲۸۴)

۴-۲- استحقاق مهریه در اختلالات روانی معتوهی - سفهی زوجه

باید گفت مشخصه اصلی در اختلالات روانی معتوهی، نقصان در عملکرد کلی عقل است نه در یک مورد خاص و شاخصه‌ی اصلی اختلالات روانی سفهی، نقصان در عملکرد مغز در امور مالی است، (نجفی، ۳۰، ۵۹) از این رو اختلالات روانی معتوهی اعم از اختلال روانی سفهی هستند یعنی نقصان در عملکرد عقل می‌تواند هم در امور مالی باشد و هم در امور غیر مالی. (نراقی، ۱۴۱۲، ۲، ۳۰۱) در نتیجه اختلالات روانی قابل درمان در علم روان‌شناسی که تحت عنوان اختلالات روانی معتوهی قرار می‌گیرند، (اختلال انطباقی، شخصیت، کنترل تکانه، اضطرابی، شبه جسمی، ناشی از مصرف مواد مخدر، خوردن، خوابیدن، روان تنی، جنسی) عموماً به طور همزمان جزو اختلالات روانی سفهی هم هستند زیرا به عنوان مثال زوجه‌ای که اختلال روانی اضطراب دارد هم مغز او دچار نقصان در همه جهات عملکردی از قبیل احساسی، رفتاری و.. است و هم می‌تواند دچار نقصان در عملکرد مالی و اقتصادی مغز شود. از این رو در تبیین حقوق و تکالیف زوجه مبتلا به اختلالات روانی، معمولاً نمی‌توان قائل به تفکیک اختلالات روانی معتوهی از اختلالات روانی سفهی شویم در نتیجه این دو اختلال روانی را تحت یک عنوان مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در بررسی تأثیر اختلالات روانی معتوهی - سفهی، نسبت به مهریه زوجه مبتلا به این اختلالات روانی، باید گفت وقتی که نسبت به استحقاق مهریه زوجه مبتلا به اختلالات روانی جنونی که فساد و زوال عملکرد عقل، شاخصه اصلی این اختلال است، گفته می‌شود که نوع اختلال روانی جنونی، در استحقاق یا عدم

استحقاق وی نسبت به مهریه تأثیری ندارد، بلکه علم و جهل زوج قبل یا بعد از عقد نکاح، در استحقاق زوجه، نسبت به مهریه تأثیر دارد و این که نوع اختلال روانی جنونی صرفاً در افزایش میزان خسارت مادی یا معنوی زوج که ناشی از اختلال روانی زوجه باشد، مؤثر است، به طریق اولی این بحث در مورد اختلالات روانی معنوی- سفهی که عبارتند از: اختلالات انطباقی، شخصیت، کنترل تکانه، اضطرابی، شبه جسمی، اختلال ناشی از مصرف مواد مخدر، اختلال روان تنی و جنسی، که از شدت و تخریب کمتری نسبت به اختلالات روانی جنونی، برخوردارند هم صادق است، یعنی نوع اختلال روانی معنوی- سفهی زوجه در استحقاق وی نسبت به مهریه تأثیری ندارد بلکه در این خصوص هم صرفاً علم یا جهل زوج نسبت به اختلال روانی زوجه تأثیرگذار است. یعنی بعد از عقد نکاح، در صورتی که نزدیکی محقق شده باشد، زوجه مستحق مهریه است و در صورتی که نزدیکی محقق نشده باشد، زوجه مستحق نصف مهریه است. (نراقی، ۱۴۱۲، ۲، ۳۰۹) در صورتی که در این دو فرض زوج، از اختلال روانی زوجه علم نداشته باشد و این جهل ناشی از تحقق تدلیس در حق زوج باشد وی می‌تواند مهریه‌ای که به زوجه پرداخت کرده است و سایر خسارات مادی یا معنوی که در نتیجه ازدواج با چنین زوجه‌ای برای او محقق شده است را از مدلس - اعم از زوجه یا شخص ثالث - مطالبه کند البته در صورتی که مدلس، خود زوجه باشد وی مستحق مهرالمثل خواهد بود. (خدارحیمی، ۱۳۷۹، ۳، ۲۴۸؛ عاملی جبعی، ۱۳۶۷، ۹، ۵۲) بررسی انواع اختلالات معنوی - سفهی، صرفاً در تعیین میزان خسارت مادی یا معنوی که زوج در اثر ازدواج با چنین زوجه‌ای متحمل شده است، تأثیر دارد. که زوج می‌تواند علاوه بر مهریه‌ای که پرداخت کرده است، این خسارات را هم از مدلس مطالبه کند. (خمینی، ۱۳۷۹، ۳، ۲۸۹) معمولاً میزان خسارات مادی یا معنوی که زوج می‌تواند در فرض اختلال روانی معنوی- سفهی زوجه، از مدلس مطالبه کند کمتر از خسارات ناشی از اختلالات روانی جنونی زوجه است زیرا نکته مشترک در همه اختلالات روانی معنوی- سفهی، گذرا بودن زمان‌های حمله عصبی است و از آنجا که این اختلالات مانند اختلالات روانی جنونی همراه با توهّم و هذیان نیستند در نتیجه عمده آسیب این اختلالات متوجه فرد بیمار است و نه اطرافیان وی. اطرافیان و نزدیکان این دسته از بیماران روانی نسبت به اطرافیان مبتلایان به اختلالات روانی جنونی، کمتر در معرض آسیب‌های مادی یا معنوی هستند زیرا ماهیت اختلالات روانی جنونی، فساد و زوال عقل است و به تبع آن، آثار مخرب این اختلال در اطرافیان فرد بیمار بیشتر است و خوی آسیب زدن به دیگران که برگرفته از توهّم و رفتارهای هذیانی است، از ویژگی‌های این اختلال است. (امامی، ۱۳۷۳، ۱، ۲۸) اما ماهیت اختلالات روانی معنوی- سفهی صرفاً نقصان در عملکرد

عقل است و نه فساد عقل. لازم به ذکر است که در موارد اختلال روانی معتوهی - سفهی توامان هم، زمان بروز اختلال گذرا است و هم عملکرد مغز دچار زوال - حتی کوتاه مدت نمی‌شود- از اینرو میزان خسارت این دسته از اختلالات روانی به مراتب کمتر از اختلالات روانی جنونی است که عبارتند از: اختلال خلقی (جنون ادواری)، اختلال روان پریشی، اختلال شناختی و اختلال شیذوفرنی. گفتنی است که در جنون ادواری که از اقسام اختلالات روانی جنونی است، هرچند زمان تنش گذرا و موقت است اما در این قسم از جنون، زوال عقل وجود دارد - هرچند به طور کوتاه مدت- و رفتار و اعمال بیمار در آن دوران کوتاه تنش، بسیار آسیب زنده‌تر نسبت به اختلالات روانی معتوهی - سفهی است. از اینرو به صرف کوتاه و گذرا بودن زمان تنش در جنون ادواری- اختلال خلقی- نمی‌توان میزان آسیب آن را با اختلالات روانی معتوهی - سفهی، یکسان دانست.

نتیجه‌گیری

مهریه یکی از مهمترین حقوق مالی زوجه است که در استحقاق یا عدم استحقاق آن، فرقی بین زوجه سالم با زوجه مبتلا به اختلالات روانی نیست. یعنی در صورتی که زوجه مبتلا به اختلال روانی باشد، ماهیت اختلال وی، تأثیری در استحقاق یا عدم استحقاق وی نسبت به مهریه ندارد بلکه آنچه که در این مورد تأثیرگذار است علم یا جهل زوج نسبت به اختلال روانی زوجه است. در نتیجه باید تدابیری اندیشیده شود تا قبل از ازدواج، علاوه بر انجام آزمایش‌های متداول، امکاناتی برای تشخیص اختلال روانی زوجین هم فراهم شود تا مانعی باشد برای انجام ازدواج‌هایی که بر اساس جهل یکی از زوجین نسبت به اختلال روانی طرف مقابل، انجام می‌شود. همچنین در محاکم باید رویکرد جدیدی نسبت به پرونده‌هایی که در آنها زوجه مبتلا به اختلالات روانی است، اعمال شود.

فهرست منابع

- ۱- استوار، جان، (۱۳۷۷)، بیماری‌های جدید تمدن، ترجمه دادستان، تهران، چاپ چهارم.
- ۲- امامی، حسن، (۱۳۷۳)، حقوق مدنی، نشر بینا، تهران، چاپ دوم.
- ۳- بازگیر، یدالله، (۱۳۸۴)، علل نقض آرای محاکم در دیوان عالی کشور، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ دوم.
- ۴- پور افکار، نصرالله، (۱۳۸۲)، فرهنگ جامع روانشناسی، فرهنگ معاصر، تهران، چاپ اول.

- ۵- تیمز، فیلیپ، (۱۳۹۱)، کتاب بهداشت روان، مترجمان: دکتر حمیده جهانگیری، دکتر علیرضا نوروزی، دکتر هاراطون داویدیان، نشر فرجاد، تهران، چاپ سوم.
- ۶- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۳)، وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت.
- ۷- حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۰۶)، تذکره الفقهاء، چاپ صبحی سامرائی، بیروت.
- ۸- خمینی، روح الله، (۱۳۷۶)، تحریر الوسیله، دارالعلم، قم، چاپ دهم.
- ۹- زحیلی، وهبه مصطفی، (۱۹۸۴/۱۴۰۴)، الفقه الاسلامی و ادلته، انتشارات ابرار، دمشق، چاپ سوم.
- ۱۰- ساروک، کاپلان، (۱۳۹۰)، خلاصه روان پزشکی، ترجمه: دکتر پورافکار، انتشارات راد، تهران، چاپ پنجم.
- ۱۱- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۲)، الاستبصار، دار الاضواء، بیروت.
- ۱۲- عاملی جبعی، زین الدین بن علی شهیدثانی، (۱۴۱۳)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، دارالعلم، قم، چاپ نهم.
- ۱۳- عوده، عبدالقادر، (۱۴۱۹)، التشریح الجنائی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، دارالتراث، قاهره، چاپ دوازدهم.
- ۱۰- قهرمانی افشار، نیوشا، (۱۳۹۰)، جنون و آثار آن در مسؤولیت کیفری، نشر نوین، تهران، چاپ دوم.
- ۱۴- کاپلان، سرگی، (۱۳۷۰)، خلاصه روان پزشکی، ترجمه: پورافکاری، انتشارات گویا، تهران، چاپ سوم.
- ۱۵- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۹)، حقوق خانواده، نشر بینا، تهران، چاپ چهارم.
- ۱۶- کالات، جمیز، (۱۳۹۰)، روانشناسی فیزیولوژی، ترجمه سید یحیی محمدی، نشر روان، تهران، چاپ سوم.
- ۱۷- کاوه، محمد، (۱۳۹۱)، آسیب شناسی بیماری های اجتماعی، نشر جامعه شناسان، تهران، چاپ سوم.
- ۱۸- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۵)، اصول کافی، بیروت، چاپ دهم.
- ۱۹- کوکرین، ریموند، (۱۳۷۶)، مبانی اجتماعی بیماری های روانی، ترجمه نجاریان، نشر بینا، تهران، چاپ پنجم.
- ۲۰- معظمی، داوود، (۱۳۹۰)، مقدمات نورو سایکولوژی، سمت، تهران، چاپ پنجم.
- ۲۱- معین، (۱۳۷۸)، فرهنگ لغت، نشر نو، تهران، چاپ هفتم.
- ۲۲- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۵)، کتاب النکاح، انتشارات دارالضوء، بیروت، چاپ سوم.
- ۲۳- نجفی، محمد حسن، (۱۴۱۵)، جواهر الکلام، دارالعلم، قم، چاپ سوم.
- ۲۴- نراقی، ملا احمد، (۱۴۱۲)، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، دارالاحیاء التراث، بیروت، چاپ چهارم.